



## دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ISSN: 2783-2384

- برخی از ویژگی‌های شعر کلاسیک کودک و نوجوان ایران
- بررسی لغزش ثانویه در پنج اثر حمیدرضا شاه آبادی
- بررسی تطبیقی الفسانه «صاهپیشونی» و «افسانه «خاکسترنشین»
- تألیف اقلیم در سازتولید ادبیات بومی با تمرکز بر کودک و نوجوان در آثار مزگان شیخی (گروه سنی ۵-۱۲)
- جایگاه ادبیات کودکان در کتاب‌های فارسی اول تا سوم دبستان
- حرکت از ساختار به سمت معنا و دوقطبی‌های فسمی تا مشخصه‌های ادبیات کودک جهانی
- شناسایی ایجاد تجربه بازدیدکننده موزه مناسب با ایران
- تفسیری کتبک و مانگا برای مخاطب کودک و نوجوان
- کنشگران زن در حکایت‌های مرزبان‌نامه براساس الگوی کنشی گریمناس و مناسب سازی آن‌ها برای کودکان
- متن‌شناسی دو داستان «ماشو در مه» و «هستی» فرهاد حسن‌زاده بر اساس نظریه کنش گفتار سول
- مقایسه درون‌مایه‌های داستان کودکان در ایران و مصر با تأکید بر آثار هوشنگ برادی کرمانی و یعقوب الشارونی
- مهارت‌پروری در دانش‌آموزان: ضرورت عصر انقلاب صنعتی چهارم

ISSN: 2783-2384

شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

## Journal of Research in Children's Literature in Iran

Number 7, Autumn & Winter 2022

ISSN: 2783-2384

- Some of the specifications of children and adolescents' classic poetry of Iran
- Scrutinizing the secondary purposes of "Question" in Hamid Reza Shahabad's five books
- A comparative analysis of the legend of "Mah-pishuni" and the legend of "Khakestarneshin"
- Evaluating the effect of climate on the reproduction of native literature focusing on educating and cultivating impacts of children and adolescents
- Analyzing the works of Mozghan Sheikh in adaptation from Bustan and Golestan for children and adolescents (age group of ten to twelve from 2002 to 2012)
- The position of children's literature in the Persian books from the first to the third grades
- Movement from structure toward meaning and implicit dipoles to the global specifications of children's literature
- Analyzing the dimensions of the museum visitor's experience according to the interpretation tools of comics and manga for children and teenagers
- Female Protagonists in the Tales of "Marzbān-nāma." According to Greimas's Action Model and their Suitability for Children
- Transcription of two stories "Mashu dar meh" and "Hasti" by Farhad Hasanzadeh based on Searle's theory of speech action
- Comparing the themes of children's stories in Iran and Egypt underlining the works of Hushang Moradi Kermani and Yaghub Alsharuni



# بررسی اغراض ثانویه در پنج اثر حمیدرضا شاه آبادی

## زهرا اخلاقی<sup>۱</sup>

۱. کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

### چکیده

زبان، یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی انسان است که از طریق آن، می‌تواند با خود و با دیگری ارتباط برقرار کند. یکی از نمودهای زبان، سخن و کلام است که کارکردهای مختلفی دارد و یکی از برجسته‌ترین بخش‌های زبان، گفت‌وگوست؛ گفت‌وگوست که در زندگی روزمره انسان‌ها دیده می‌شود و در آثار ادبی و هنری کلامی به کار برده می‌شود. مقوله گفت‌وگو از دیرباز آنچنان اهمیتی داشته است که نظریه‌پردازان زیادی پیرامون آن، بحث و نظریات گوناگونی راجع به آن مطرح کرده‌اند. یکی از مباحث علمی مطرح شده راجع به کاربرد سخن در گفت‌وگو، نظریه کنش‌گفتاری و مباحث علم معانی است. علم معانی بر این عقیده است که برخی جملات، جدای از معنای اولیه و ظاهری آن‌ها، معنایی ثانویه در ژرف‌ساخت خود دارند. علم معانی به بررسی اغراض ثانویه جملات می‌پردازد. برای بررسی کاربرد علم معانی، بر آن شدیم تا آثار یکی از نویسندگان ایرانی را تحلیل کنیم. حمیدرضا شاه‌آبادی در سال ۱۳۹۹ به عنوان نامزد جایزه آسترید لیندگرن معرفی شده است. شاه‌آبادی آثار متعددی دارد که عنصر گفت‌وگو در آن‌ها از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. جملات و افعال گفت‌وگوها، وجوه متفاوتی دارند که یکی از آن‌ها، وجه پرسشی است. در این پژوهش، گفت‌وگوهای پنج اثر *اعترافات غلامان*، *دایره زنگی*، *دیلماج*، *لالایی برای دختر مرده* و *هیچ کس جرئتش را ندارد* شاه‌آبادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند تا اغراض ثانویه و کنش‌های جملات پرسشی آثار نامزد جایزه آسترید لیندگرن تبیین شود و کاربرد عنصر گفت‌وگو و اهمیت کاربست نظریه‌های گفت‌وگومحور در راستای تحلیل آثار نشان داده شود. بدین ترتیب می‌توان به کاربرد اغراض همچون استفهام انکاری، تمسخر، تعجب، تحقیر، توهین، سرزنش، شک و تردید و... در این آثار اشاره کرد.

**واژه‌های کلیدی:** اغراض ثانویه، حمیدرضا شاه‌آبادی، کنش‌گفتاری، علم معانی.

### مقدمه

سخن و کلام، نمودی از کاربرد زبان در زندگی روزمره انسان‌هاست که ارتباط او را با خودش و با دیگر انسان‌ها شکل می‌دهد. در این بین، «گفت‌وگو اگرچه پدیده‌ای از جنس سخن، کلام و گفتار است اما به یقین، وجه ممتازی در میان انواع سخن و گفتار دارد. دیالوگ برخلاف مونولوگ نه به تنهایی سخن گفتن است و نه طولانی حرف زدن، انحصار در کلام و متکلم وحده شدن نسبتی با دیالوگ ندارد.» (خانیک، ۱۳۸۳: ۹۰) بنابراین، گفت‌وگو را می‌توان از مهم‌ترین کنش‌های انسان دانست که کاربرد آن را در انواع پدیده‌های وابسته به کلام همچون فیلم و داستان و... می‌توان دید و بررسی کرد. تحلیل اینگونه آثار کلامی، راه را به فهم چگونگی کارکرد و کنش‌های گفت‌وگو در کلام باز می‌کند.

مقوله گفت‌وگو، تاکنون از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که پیرامون آن، نظریات، علوم و مباحث زیادی شکل گرفته است. خانیک (۱۳۸۳) در صفحات ۱۰۵ تا ۱۰۹ مقاله خود به برخی از نظریات مرتبط با بحث ما اشاره می‌کند؛ بدینگونه که هابرماس، خرد

ارتباطی را مطرح می‌کند، گادامر خرد هرمنوتیک را بیان می‌کند. باختین از خرد گفت‌وگویی حرف می‌زند و مک اینتایر از گفت‌وگو درون سنت سخن به میان می‌کشد. یکی از نظریه‌های مرتبط با موضوع این مقاله، که می‌تواند در بررسی آثار ادبی کمک کند، نظریه کنش‌گفتاری و استفاده از علم معانی است که اغراض ثانویه جملات را بررسی می‌کند.

کنش‌گفتاری، نظریه‌ای بود که برای اولین بار، آستین<sup>۱</sup> در قرن بیستم در کتاب کلمات چطور عمل می‌کنند آن را مطرح کرد. از نظر او «فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی‌کند بلکه با خود عمل معادل است؛ یعنی گفتن با کنش برابر است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها کاری انجام می‌دهد. از این رو کنش‌گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می‌دهد.» (دسترنج، عرب، ۱۳۹۹: ۲۶)

و اما علم معانی که در بلاغت فارسی و تحت تاثیر بلاغت عربی شکل گرفته است؛ این علم، درباره کلام و معانی ثانویه آن‌ها حرف می‌زند. «در علم معانی از جملاتی که بدون قرینه لفظی در معنای اصلی خود به کار نمی‌روند بحث می‌شود و به این لحاظ به این علم، علم معانی می‌گویند؛ زیرا از معانی ثانویه جملات بحث می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۰۱) باید متذکر شد که از قرون گذشته تاکنون، هر کدام از بلاغیون فارسی یا عربی، تعریف منحصر به فردی از علم معانی به دست داده‌اند اما نکته ثابت و مشترک این است که «علم معانی، یکی از شاخه‌های علوم بلاغی، شامل مباحث بسیار دقیق و باریک زبانی و ادبی است که فهم عمیق و کاربرد درست آن نیاز به برخورداری از آگاهی و ذوق خاصی دارد» (امینی، ۱۳۸۸: ۵۹) و «اقتضای حال» در آن مهم است.

همان‌طور که پیش از این بیان شد، بخش مهم و اعظمی از هر زبان از گفت‌وگو تشکیل شده است. سخن گفتن به اقتضای حال و مقام مخاطب از مسائلی است که باعث حل شدن بسیاری از چالش‌ها و مشکلات خواهد شد و در نتیجه، شناختن کاربردهای علم معانی و نحوه استفاده از آن‌ها ما را در خلق و فهم آثار ادبی و گفت‌وگوهای زندگی روزمره یاری خواهد کرد. امروزه نیز در کتاب‌های مختلفی که درباره گفت‌وگونیسی و عناصر داستان وجود دارد، مشاهده می‌کنیم که خلق گفت‌وگوی قوی و غنی یکی از فنون اساسی و سخت است که بار معنایی گسترده و سنگینی را حمل می‌کند. برای مثال با توجه به آنچه ویلیام نوبل در کتاب خود راهنمای نگارش گفت‌گو (۱۳۹۲: ۹) اشاره می‌کند، این فن، یکی از مشکل‌ترین مهارت‌هایی است که نویسنده در آن استاد می‌شود که نشان‌دهنده اهمیت این عنصر داستانی است. گلوریا کمپتون در گفت‌وگونیسی (۱۳۹۲) و نوبل، به کارکردهای گفت‌وگو اشاره می‌کنند و اهمیت آن را نشان می‌دهند؛ خلق کنش، شخصیت‌پردازی، زمینه‌چینی یا پیش‌گویی آینده، روایت و بیان حادثه، ارائه زمان و مکان، فضا سازی، انتقال صحنه‌ها، ایجاد تنش، تنظیم سرعت داستان، تعلیق و... از جمله این کارکردهاست. گفت‌وگوها ظرفیت بالایی برای انتقال پیام دارند.

در بسیاری موارد در گفت‌وگوها «سوال به دلایلی چند در ادبیات با مفهوم و غرضی غیر از طلب آگاهی و اطلاع به کار می‌رود که دلیل مهم آن، اقتضای حال مخاطب است. گوینده به ضرورت و لزومی که موضوع و مطلوب حکم می‌کند، اخبار، امرونی را در صورت و ساخت سوال بیان می‌کند، چون می‌داند تاثیر امر یا نهی یا خبر بر مخاطب در قالب استفهام به مراتب بیشتر از قالب خبر یا امر و نهی است.» (طاهری، ۱۳۸۷: ۸۹). بین انواع جملات (خبری، پرسشی، امری و عاطفی) پرسش یکی از انواع جمله است که بعد از غرض ابتدایی و ظاهری آن، ممکن است یک یا چند غرض ثانویه نیز داشته باشد. بررسی اغراض ثانویه پرسش‌ها یکی از ضرورت‌های پژوهش‌های زبانی است.

«غرض اصلی از پرسش طلب اخبار است [...] اما گاهی برای تاثیر بیشتر کلام، به جای سایر انواع جمله (مخصوصاً خبری) از جمله پرسشی استفاده می‌کنند.» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۳۵) طبق دسته‌بندی شمیسا در کتاب معانی اغراض ثانویه جملات پرسشی ممکن است دادن خبر (چه مثبت و چه منفی)، امر (و نهی) و بیان عاطفه و احساس باشد. «گاهی نیز دو غرض مکمل هم و یا یکی تالی غرض دیگر است» (طاهری، ۱۳۸۶-۸۷: ۹۰)

«در برخی از کتب بلاغی فارسی که نویسنده و مولف آن تحت تاثیر بلاغت عرب است و کتاب تالیفی او در حکم ترجمه بلاغت

عرب است به تبع چند غرض ثانوی برای سوال و جملات پرسشی با شاهد فارسی ذکر گردیده است و در برخی کتب بلاغی فارسی نیز تا سی غرض ثانوی برای جملات مورد بحث ذکر گردیده است اما با تحقیق و تفحص گسترده‌تر در آثار ادب فارسی اغراض دیگری را می‌توان بر موارد یادشده افزود.» (همان: ۹۰-۹۱)

«بررسی انواع و بسامد هریک از جملات موجود در دیوان‌های شعر و نوشته‌های منثور علاوه بر ارزش ادبی، می‌توانند ارزش سبک‌شناختی خصوصاً در شناخت افکار، اندیشه‌ها و زوایای شخصیتی شاعران و نویسندگان داشته باشد. [...] انواع و اغراض ثانوی موجود در جملات شعر یک شاعر در جامعه‌شناسی زبان و شناخت فرهنگی و اجتماع زمان او راهنما و هدایت‌گر خوبی خواهد بود، زیرا که کاربرد جمله در غرض ثانوی به اقتضای حال مخاطب و زمانه شاعر است.» (همان: ۹۱)

نکته قابل تأمل در این زمینه که باید پیش از ورود به بحث اصلی، آن را یادآور شد اینک برای بررسی اغراض ثانویه در هر متنی، باید به بافت آن متن توجه دقیق داشت. «آشنایی صرف با واژگان یک زبان برای درک یک متن کافی نیست؛ همچنین جملات یک متن با جملاتی که قبل و بعد از آن می‌آیند در ارتباط هستند.» (طاهری و حسنیها، ۱۳۹۹: ۱۲۶)

نویسنده‌ای که بر آنیم تا آثارش را بررسی کنیم، حمیدرضا شاه‌آبادی است. او یکی از نویسندگان کودک و نوجوان کشور است که در سال ۹۹ به عنوان نامزد جایزه آسترید لیندگرن معرفی شده. از این رو، بررسی و پژوهش در آثار این نویسنده سودمند خواهد بود و باعث تهیه، تدوین و ارائه نمونه‌ها و الگوهای نویسندگی می‌شود. اکنون قصد داریم تا اغراض ثانویه جملات پرسشی پنج کتاب از آثار این نویسنده را مشخص کنیم. *دیلماج*، *دایره زنگی*، *اعترافات غلامان*، *هیچ کس جرئتش را ندارد* و *لالایی برای دختر مرده* پنج کتابی است که قصد بررسی آن را داریم.

## تحلیل آثار

اکنون به بررسی اغراض ثانویه جملات پرسشی در پنج اثر *اعترافات غلامان*، *دایره زنگی*، *دیلماج*، *لالایی برای دختر مرده* و *هیچ کس جرئتش را ندارد* می‌پردازیم. این بررسی با هدف نشان دادن اهمیت عنصر گفت‌وگو و نحوه کار بست نظریات گفت‌وگومحور در آثار ادبی شکل گرفته است تا راهی برای پژوهشگران و تبیینی برای نویسندگان شکل گیرد. **دیلماج** (۱۳۹۴): این داستان، ماجرای شخصیتی به نام میرزا یوسف خان مستوفی معروف به دیلماج را شرح می‌دهد. رنگ و بوی این اثر، تاریخی است و فضای روشن‌فکران دوران قاجار را به تصویر کشیده است.

در این داستان، میان جملات پرسشی‌ای که به نظر می‌رسد معنایی و رای معنای ظاهریشان دارند، این اغراض ثانویه را می‌بینیم:

۱. **استفهام انکاری**: مفاد اینگونه جملات، انکار کردن است که از طریق پرسش اعلام می‌شود؛ به عبارت دیگر، سوالی که برای مطلع شدن پرسیده نمی‌شود و از قبل می‌دانیم که جواب منفی است (پاسخ منفی در دل سوال است). در این کتاب نمونه‌هایی از استفهام انکاری وجود دارد:

- «اما چه فایده؟» (۵۹)

- یوسف: مگر می‌شود که خانواده یک تاجر معتبر بازار که آوازه ثروت و اعتبارش از اصفهان تا بغداد کشیده بود به وصلت با دختر سمسار مافنگی ته بازار رضایت بدهد؟ (۱۱۷)

- مگر می‌شد که شناسم؟ (۲۶۹)

همان‌طور که پیش از این بیان شد، یک سوال ممکن است اغراض متفاوتی داشته باشد. برای مثال در بعضی از پرسش‌های این کتاب، معنای تحقیر، تصغیر و توهین در کنار هم آمده‌اند و یا دو تا از این معانی باهم آمده‌اند. برای مثال:

۲. **تحقیر (به تنهایی) یا تحقیر به همراه اغراض دیگر**: در اینگونه پرسش‌ها با سوالی روبه‌رو هستیم که در واقع برای تحقیر

۱. هنگام ارجاع‌دهی گفت‌وگوها فقط صفحه کتاب در پرانتز جلوی آن نوشته شده است.

شخص یا اشخاصی پرسیده شده است.

- میرغضب: جماعت کنس، گداهای بدبخت فقط همین؟ (۶۵) در این پرسش، بانوجه به عبارت قبلی هم تحقیر وجود دارد و هم تصغیر مقدار را می‌رساند.
- میرزا شفیعا: یوسف به نظر تو فقر این ملت مقدم بر جهلشان است و یا جهلشان مقدم بر فقرشان؟ (۷۲)
- مرد: پدر سوخته! موجب دربار را کوفت می‌کنی و به فکر سوء قصد به جان اعلیحضرت هستی؟ (۱۴۸) همزمان اغراضی چون تحقیر، توهین و سرزنش را می‌بینیم.
- مرد: نکند فکر کرده‌ای من هم مثل خودت خرم؟ (۱۵۰) تحقیر، توهین و تنبه را در این پرسش مشاهده می‌کنیم.
- مرد: چطوری مردکه دبتگ بی‌خاصیت؟ (۱۶۹) توهین، تحقیر و تمسخر از معانی ثانویه این پرسش است.

۳. امر: گاهی سوال کردن با هدف امر یا نهی است.

- محمد علی خان: چرا ایستاده‌ای؟ (۱۱۱) یعنی حرکت کن!

۴. تاکید:

- یوسف: من؟ (۱۴۹) در این مورد سوال‌ها، گاهی هدف، بیان استبعاد است؛ یعنی دوری ضمیر (در اینجا «من») با فعل انجام شده یا به‌طور کل گزاره جمله طرف مقابل. برای تشخیص دقیق غرض ثانویه، باید توجه به بافت را همیشه مد نظر قرار داد.
- مرد: حال فهمیدی چه کسی را می‌گویم؟ (۱۵۱)
- محمدعلی خان: لابد شنیده‌ای که صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی؟ (۲۶۳)

به همین مقدار نمونه از کتاب دیلماج شاه‌آبادی بسنده می‌کنیم. دامنه اغراض بررسی شده در این کتاب با توجه به تعداد صفحات تشکیل دهنده کتاب به نظر کم می‌رسد. احتمالاً تعداد اغراض بیشتر و متنوع‌تر بوده است اما در محدوده بررسی‌های این پژوهش، کمتر از دیگر آثار نویسنده است. این اغراض اعمد از استفهام انکاری، تاکید، امر و تحقیر یا تحقیر به همراه اغراض دیگر. همان‌طور که دیده شد، گاهی یک یا چند غرض به همراه یکدیگر، از اغراض ثانویه پرسشی به شمار می‌روند. اکنون به بررسی داستان اول کتاب دایره زنگی (۱۳۹۶) یعنی داستان کمپوت گیلان می‌پردازیم. این کتاب، شامل شش داستان کوتاه با رنگ و بوی جبهه جنگ است.

داستان کمپوت گیلان:

۱. تمسخر:

- سرباز: می‌خواست اسم یک نفر دیگر را در فهرست طولانی خواستگاری‌هاش ثبت کند؟ (۳)
- سرباز: چیز دیگه احتیاج ندارید؟ رقص عربی‌ای، چیزی؟ (۱۲)، (تمسخر به همراه تنبه)

۲. اظهار تعجب:

- سرباز: کمپوت گیلان؟ این وقت شب و یار کردی؟ (۵)
- سرباز: پسر، مگه تو از اتیوپی اومدی؟ مگه کمپوت ندیده‌ای؟ (۱۱) (اظهار تعجب، تحقیر و تنبه)

۳. استفهام انکاری:

- محسن: آخه تو که فهم و کمالات داری بگو خدا رو خوش میاد من توی این ظلمات برم بیرون کمپوت بخورم؟ (۹)

۴. نهی (امر منفی): سوالی که به‌طور غیرمستقیم از شخصیت می‌خواهد که کاری را انجام ندهد.  
- محسن: آخه مرد حسابی، کمپوت گیلان نازنین رو توی این می‌خورن؟ (۱۲)

## داستان صادق:

۱. استفهام انکاری:  
- عفت خانم: مگه می‌شه صدای کسی رو که حداقل هر دو هفته یه بارتلفن می‌زد خونه ما و می‌خواست به مادرش خبر بدم که دیر میاد، نشناسم؟ (۸)
۲. اثبات عقیده خود و بطلان عقیده مخاطب:  
- صدوقیان‌زاده: دیدید من درست گفتم؟ (۱۹)

## داستان یا حبیبی:

۱. تمسخر (به‌تنهایی)، تحقیر (به‌تنهایی) و یا تمسخر و تحقیر (به همراه هم):  
- ناصر: اون وقت که اسلحه دست بود درررر، حالا که گرفتنت زرررر؟ (۲۴)  
- عباس: نکته قاتی کرده؟ (۲۸) در این مورد، در کنار اغراضی که نام برده شده، می‌توان ترس و باورناپذیری را هم مشاهده کرد. این جمله، بیشتر شبیه جمله‌ای دعایی است. «خدا نکند که قاتی کرده باشد» اما به صورت سوالی مطرح شده است؛ «یعنی نکند که قاتی کرده، ها؟» گویی دنبال تاییدی است بر دعا و احساس ترسش.  
- پیرمرد: میخوان کمکت کنن. مگه خری، حالت نمی‌شه؟ (۳۱)
۲. سرزنش به همراه طعنه:  
- پیرمرد: تو با اون فهم و کمالات، اسلحه رو می‌ذاری دم دست این بابا که بی‌ره ورش داره؟ (۳۳)

## داستان دایره زنگی:

۱. استفهام انکاری:  
- کارمند: آیا تا به حال شده پرونده‌ای بیشتر از یک روز روی میز من مانده باشد یا مثل خیلی‌ها پرونده‌ای را گم کرده باشم؟ (۳۴)
۲. اعتراض به همراه مخالفت و توهین:  
- عالییه خانم: چهارساله پسر رو ندیدم. تو مگه شمری، مگه یزیدی که نمی‌ذاری ببینمش؟ (۳۸)

## داستان سرشماری:

۱. امر به طریق غیرمستقیم:  
- سرپرست: چرا زودتر نگفتی؟ (۴۳) (بدین معنا که باید زودتر می‌گفتی)
۲. تعریض:  
- مرد با عینک دودی: خب، فکر کردی زن من چند سالشه؟ (۴۷)
۳. اظهار تعجب:  
- مرد: با این‌ها می‌جنگیدن؟ (۵۳)

در داستان رمل و آیینه با پنج پرسش روبه‌رو هستیم که به نظر می‌رسد غرض از بیان آن‌ها گرفتن خبر-کارکرد اصلی پرسش-باشد به همین دلیل به جزئیات پرسش‌های این داستان نمی‌پردازیم.

در این مجموعه که شامل شش داستان است، با تنوع بیشتری از اغراض مواجهیم و شاهد انواع غرض‌ها از جمله تعجب، تعریض، استفهام انکاری، امرونهی، سرزنش، تمسخر، اعتراض و... هستیم. نکته‌ای که در این بخش قابل مشاهده بود این است که در یک پرسش، احساسات و اغراض متفاوتی قابل توجه هستند. یک پرسش ساده و پرتکرار «نکند قاتی کرده؟» ظرفیت احساسات و تفکرات و اغراض متفاوتی را دارد.

**اعترافات غلامان (۱۳۹۶):** این داستان، ماجرای ولایت‌عهدی امام رضا (علیه‌السلام) و اعتراف سی غلام مأمون را شرح می‌دهد. در این کتاب، به نظر می‌رسد که کارکرد غالب بیشتر پرسش‌ها، گرفتن خبر باشد که غرض اولیه هر سوالی است. در عین حال، با پرسش‌هایی نیز مواجهیم که دارای غرض یا اغراض ثانویه هستند.

۱. پرسش برای کسب اطمینان (از بین بردن شک و تردید) و یا تاکید: بسامد این غرض در میان پرسش‌های داستان بسیار است و در برخی موارد با اغراض دیگر همزمانی دارد. چند نمونه از این کارکرد را بیان می‌کنیم:

- رجاء: یعنی می‌خواهید از ما دور باشید؟ (۲۶)
- رجاء: یعنی می‌خواهید با غلامان سیاه همسفره شوید؟! (۲۸)
- الماس: واقعا این طور است؟ (۳۳)
- کاتب خراسانی: مطمئنی که هرچه می‌بینی می‌نویسی؟ (۳۳)
- فضل بن سهل: مگر جز این است؟ (۷۸)
- الماس: نمی‌بینید چطور همیشه و همه جا با شما هستیم؟ (۸۳) (با غرض تاکید و جلب توجه)

۲. تعجب به همراه بیان منافات (به همراه هم): بیان منافات یا استبعاد بدین معنی است که دو چیز از هم دورند و همراهی آن دو بعید است.

- الماس: او را با جلال و شکوه به مرو می‌برند تا کنار خلیفه بر تخت بنشینند و تو می‌گویی اسیری؟ (۳۴)
- کاتب خراسانی: ولیعهدی که بیست سال از خلیفه بزرگتر است؟ (۳۴) (تعجب)-کاتب: چطور او بعد از خلیفه زنده خواهد ماند تا به خلافت برسد؟ (ص ۳۴) (استبعاد)

۳. تعجب:

- الماس: از کجا می‌دانستی؟ (۱۱۵)

۴. استفهام انکاری:

- کاتب: مردی که به طمع خلافت برادر خود را آنگونه فجیع کشته، آیا خلافت را به راحتی به دیگری واگذار می‌کند؟ (۳۵)
- کاتب: تو باور می‌کنی که مأمون آن همه جنگ و خونریزی را پشت سر گذاشته تا خلافت را به علویان ارزانی کند؟ (۳۵)

۵. استفهام تأکیدی:

- الماس: تو علوی هستی، نه؟ (۳۵)

۶. امر به طریق غیرمستقیم و مودبانه:

- مأمون: آیا باور ندارید این اسامی آنقدر عزیزند و آنقدر بزرگند که اگر آن‌ها را بر مریضی بخوانند، شفا می‌یابد؟ (۵۶) (این

سخن که به مامون منسوب شده است یکی از نمونه‌های کارکردهای گفت‌وگو برای شخصیت‌پردازی است.

۷. **تکرار مسندّ الیه:** همان‌طور که شمیسا بیان می‌کند، این تکرار با اغراضی همچون تاکید، تحقیر، تعظیم و... آورده می‌شود.

- خلیفه (مامون): ابراهیم؟ (۷۵) همان مردک رقاص؟ (۷۵)

- الماس: من؟ (۱۱۳)

۸. **تمسخر به همراه تحقیر:**

- اعضای دارالخلافه به الماس: شرح فتح و ظفر طبّاخان را می‌خواهی بنویسی؟! (۸۵)

- مامون: ترسیدی؟ (۱۱۳)

۹. **بی‌تابی به همراه تمنی:**

- یک نفر از میان جمعیت: پس کی باران می‌رسد ای پسر رسول خدا؟! (۹۲)

در این کتاب با ۹ نوع از انواع اغراض مواجه بودیم. تا اینجا مشاهده می‌شود که بعضی اغراض همچون تعجب، امر یا استفهام انکاری از جمله پرتکرارترین اغراض هستند و بی‌تابی به همراه تمنی و تکرار مسندّ الیه را برای بار اول در پرسش‌های این کتاب دیدیم. کتاب هیچ کس جرئتش را ندارد (۱۳۹۸) ماجرای مرد میان‌سال را بیان می‌کند که خاطرات دوران نوجوانی‌اش را درباره تسخیر قلعه جنی و آثاری که بر مردم روستا گذاشته تعریف می‌کند. در این اثر نیز با کاربردهای متفاوتی از پرسش شخصیت‌ها مواجهیم که در میان آن‌ها، به نظر می‌رسد پرسش با غرض رفع تردید و کسب اطمینان یا تاکید بیشتر بیان شده است. اکنون به بیان نمونه‌هایی از اغراض پرسش‌های این داستان می‌پردازیم.

۱. **استفهام انکاری:**

- حمید (راوی): چه فایده؟ (۷)

- قادر: کدوم غریبه شب می‌ره اونجا، بالا تپه، تو یه قلعه خرابه؟ (۲۲)

- یونس: آخه روح... مگه روح فانوس دستش می‌گیره؟ (۲۲)

۲. **قادر:** می‌ارزید به خاطر چند تیکه گوشت این جور خودتو به دردسر بندازی؟ (۹۱)

۳. **توبیخ و ملامت:**

- حمید: چرا تو نرفتی دنبال عروس؟ (۱۵)

- فتاح: باز خوراکی دزدیدی؟ (۸۵)

۴. **تعجب به همراه تعریض و سرزنش:**

- یونس: چه کار کنم جای دیگه هست؟ می‌گی واسه چهارتا آب نبات برم شهر؟ (۱۵)

۵. **کنایه و سرزنش:**

- حمید: فقط حوصله تو سر نره یا بقیه ام هستن؟ (۱۹)

۶. **تصغیر:**

- قادر: شی دو ساعت برق چیه که آدم بخواد تلوزیون هم بخره؟ (۱۶)



۷. توهین به همراه تحقیر:

- حشمت: فرار می‌کنی بوزینه؟ (۱۱۹)
- اسد: بزمجه‌ها! حشمت بیچاره رو دربه‌در کردین که بیاین اینجا آتیش بسوزونین؟ (۱۳۸)

۸. تاکید یا کسب اطمینان:

- حمید: از بچه‌های دیگه کسی نیومد؟ (۱۹)
- قادر: تو هنوز می‌خوری یونس؟ (۱۹)
- حمید: راست می‌گی؟ به هیچ کس نمی‌گی؟ (۶۶)

۹. امر (مثبت یا منفی):

- ابراهیم: پس چرا نشستنی قادر؟ (۲۳)
- قادر: نمی‌خواین کمک کنین؟ (۲۴)
- حمید: چرا نمی‌آیی؟ (۷۶)
- حمید: دیوونه شدی؟ من و تو باهم بریم قلعه جنی؟ (۳۷) (امر منفی به همراه تنبه و ملامت)
- حمید: فتاح چی؟ بذاریم هر بلایی بخواد سر خودش بیاره؟ (۴۹) (امر منفی به همراه تعجب و هشدار)
- قادر: قلعه جنی؟ مگه اونجا جای بازیه؟ (۶۵)

۱۰. کسب توضیح بیشتر:

- حمید: یعنی چی؟ به کی می‌خوای بگی واست بیاردش؟ (۳۷) (به همراه تعجب و تنبه)

۱۱. بیان آرزو و تمنی:

- حمید: می‌دونی اگه گنج داخل قلعه رو پیدا کنیم چی می‌شه؟ (۴۸) (به همراه تنبه)

۱۲. شک و تردید:

- حمید: آیا واقعا با معرفتم؟ (۵۳)
- حمید: راست می‌گی؟ (۵۹)

۱۳. تکرار: با هدف تعظیم، تعجب، ترس و...

- حمید: قلعه جنی؟ (۵۸)

۱۴. بیان احساسات: ترس، ناراحتی، تعجب و...

- حمید: واقعا اگر جن‌ها جادویمان کنند چه؟ (۶۴)
- یونس: یا خدا... داره چی می‌شه؟ (۹۵)

۱۵. هشدار و تنبه:

- قادر: می‌خوای همه بفهمن؟ (۷۸)
- یونس: فقط فکرشو کردید اگه یه وقت اون تو گیر بیفتیم ممکنه از گشنگی بمیریم؟ (۸۹)
- یونس: اگه کسی از پایین ما رو ببینه چی؟ (۹۰)

۱۶. سرزنش به همراه تحقیر و امر:

- پیمان: مگه کری؟ نمی‌شنوی می‌گم نگه دار؟ (۸۰) (به همراه جلب توجه)

۱۷. اثبات عقیده خود و بطلان عقیده طرف مقابل:

- فتاح: نگفتم اینا با عراقیا هم‌دستن؟ (۱۱۲)

- راوی: حالا قبول کردید که این داستان با همه داستان‌هایی که درباره قلعه‌های متروکه و گنج‌های پنهان داخل آن خواندید فرق دارد؟ (۱۲۳)

در این اثر، نسبت به آثار قبل، تعداد قابل توجه‌تری از انواع اغراض را مشاهده می‌کنیم. این تعداد در کتاب اخیر به ۱۷ نوع می‌رسد. این تنوع، شاید به ژانر کتاب بی‌ربط نباشد؛ چراکه با ژانری ترسناک و رازآلود مواجهیم، پس نویسنده می‌تواند از طریق پرسش‌هایی که فقط با قصد پرسش نیستند، تعلیق ایجاد کند و فضا سازی‌ها، کشمکش‌ها، کنش‌ها، کشش‌ها و ابهام‌هایی را بیافریند. کتاب لالایی برای دختر مرده (۱۳۹۷) ماجرای دختری به نام زهره است که هیچ‌کس حرفش را باور نمی‌کند؛ او ادعا می‌کند که دختری با موهای خاکستری را می‌بیند که دستانش سوخته است. شاه‌آبادی در این کتاب به رنج‌های دختران در طول تاریخ اشاره کرده است. بین جملات پرسشی این کتاب با اغراض متنوع‌تری نسبت به موارد بررسی شده قبل مواجهیم. نکته قابل تأمل اینکه به غیر از اغراض بیان شده در کتب بلاغی فارسی، به نظر می‌رسد نویسنده می‌تواند در بستر و فضای متن، اغراض دیگری را بر جملات بیفزاید و یا حتی ابداع کند.

۱. تعجب به همراه نهی (نباید کاری را انجام دهد):

- مینا: چرا آب برنج را همین‌جور در ظرفشویی می‌ریزد؟ (۱۶)

۲. بیان شک و تردید یا از بین بردن شک و تردید:

- مادر زهره: تویی زهره؟ (۱۷)

- مینا: حکیمه واقعا وجود داشت؟ (۱۴۴)

۳. سرزنش به همراه امر:

- مادر زهره: سلامت کو؟ (۱۷)

- مادر زهره: این چه سر و صداییه راه انداختی؟ مگه چی شده؟ (۱۹) (امر منفی)

- مادر زهره: باز شروع کردی؟ (۱۹)

- مینا: باز تو خالی بست؟ (۴۴)

۴. تحقیر به همراه توهین:

- میرزا جعفر خان منشی باشی: چطور به این نفوس درمانده حالی کنیم که ما نه برای غارت که از برای دادخواهی ایشان آمدیم؟ (۳۰)

- مادر زهره: زهره مگه کری؟ (۱۲۶) (به همراه جلب توجه و امر)

۵. استفهام انکاری:

- مینا: چطور کسی که مرده هنوز می‌تواند در جایی از زمان زنده باشی؟ (۴۳)

- میرزا جعفر خان منشی باشی: اما مگر شقاوت انسان پایان هم دارد؟ (۵۲)

- میرزا جعفر خان منشی باشی: چه کسی شنیده که در خراسان توفان شن به پا شود؟ (۶۴)

۶. امر:

- مینا: نمی‌خواین اینارو بزارین یه جای دیگه؟ (۴۰)

۷. تعجب:

- مینا: دختری که صد سال پیش مرده حالا در گوشه‌ای از زمان زنده است؟ (۴۳)

- مینا: مگه چی می‌خوای بگی؟ (۴۵)

- من (دوست پدر مینا): این‌جا دیگه کجا بود که تو اومدی؟ (۱۱۲) (همراه با کمی نهی)

۸. بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی:

- زهره: طاقت شنیدنش را داری؟ (۴۵)

- زهره: یک شب؟ دوپست صفحه فقط یک شب؟ (۷۳)

۹. استفهام تأکیدی:

- صمدخان: چطور است که اگر همین زنان و مردان دهاتی اگر گرگ یا خرس یا هر جانور دیگر به کودکشان حمله کند تا پای جان ایستاده و برای نجات فرزند خود با گرگ پنجه در پنجه می‌اندازند اما برای جمع مال بیشتر، کودکان خود را می‌فروشند؟ آیا نه آنست که سختگیری حکومت ایشان را به کودک‌فروشی واداشته است؟ (۶۳)

- مینا: مگر وقتی که در طول روز ما دوندگی همیشگیمان را می‌کنیم آن‌ها نمی‌خوابند؟ (۱۲۱ و ۱۲۲)

۱۰. طعنه:

- مینا: داستان میرزا جعفر خان شبیه زندگی حکیمه است یا اینکه تو داستان حکیمه رو بعد از خوندن کتاب میرزا جعفر خان سرهم کردی؟ (۷۴)

- مادر زهره: مگه سنجاق قفلیه که بگردم پیداش کنم؟ (۱۲۸) (به همراه استفهام انکاری)

- خانم مامور: واسه چی از خونه فرار کردی؟ عاشق شده بودی یا کتک می‌خوردی؟ (۱۴۰)

۱۱. اعتراض به همراه شکایت:

- زهره: تو چرا همش فکر می‌کنی من داستان سرهم می‌کنم؟ (۷۴)

- خان قصه زهره: اگه قراره یه عدس بشه پسر پیرزن و پیرمرد، چرا پسر من نشه؟ (۷۹)

۱۲. سرزنش به همراه تحقیر:

- حاکم قصه زهره: تو به چه حقی بی‌اجازه اومدی تو قصر من؟ (۸۲)

- پدر مینا: اون نظامی‌هایی که از کشورهای مختلف توی افغانستان جمع شدن، نمی‌تونن کنار توپ و تانک و اسلحه، یه خورده غذا و چندتا چادر هم برای اینا ببرن؟ (۹۸) (وجه غالب سرزنش و تعریض و کنایه است)

- من (دوست پدر مینا): این چرا گیر داده به من؟ (۱۵۳) (همراه با اعتراض)

۱۳. درماندگی:

- حاکم قصه زهره: اصلا بگو از جون من چی می‌خوای؟ (۸۴)

- من (دوست پدر مینا): خوب نمی‌شه الان به جوری ازش بگیریم؟ (۱۱۹)

#### ۱۴. تاکید یا کسب اطمینان:

- مینا: زهره؟ (۱۰۰)

- مادر زهره: زهره مگه با تو نیستی؟ (۱۲۵) (تاکید به همراه جلب توجه است)

- یکی از دختران فراری: پس لابد تو بابای منی؟ (۱۵۴)

#### ۱۵. تکرار:

- من (دوست پدر مینا): سی‌دی؟ (۱۱۵)

#### ۱۶. بیان احساسات:

- چرا بابا نمی‌دانست که من هم دلم می‌خواهد خیلی چیزها را بخرم اما چون پولش را نداریم حرفش را هم نمی‌زنم؟ چرا

نمی‌دانست که من خیلی وقت‌ها به خاطر بی‌پولی‌ام پیش همکلاسی‌ها خجالت می‌کشم؟ (۱۲۳) (بیان غم به همراه

سرزنش دیگری)

- پدر زهره: پناه بر خدا کدوم قبرستونی رفته این دختر؟ (۱۲۸) (بیان نگرانی به همراه سرزنش)

- مینا: بعدش چی شد؟ (۱۳۹) (بیان حس کنجکاو)

- پدر زهره: با حرف مردم چه کار کنم؟ (۱۵۰) (اظهار نگرانی)

#### ۱۷. اظهار بی‌اطلاعی:

- پدر زهره: مگه تو اتاقش نیست؟ (۱۲۷)

#### ۱۸. بی‌تابی به همراه ندامت:

- پدر زهره: این چه بی‌آبرویی بود که به سرم اومد؟ (۱۴۹)

در این کتاب با بیشترین تنوع از اغراض در بین کتاب‌هایی که تاکنون بررسی کرده‌ایم مواجه بودیم. تا این بخش از پژوهش مشاهده شد که استفهام انکاری، تحقیر و امرونهی از پرکارترین اغراض بود و درماندگی و اظهار بی‌اطلاعی از نمونه اغراضی است که فقط در این کتاب مشاهده شد. در این مورد هم به نظر می‌رسد که جنبه‌های رازآلود کتاب، بی‌ربط به تنوع اغراض پرسش‌ها نباشد؛ چراکه این جنبه‌های ادبی کتاب درصدد است تا با درابهام‌گذاشتن مخاطب به کشش و تعلیق داستان بیفزایند و این کار را از طریق سوال‌های گوناگون انجام می‌دهد. نکته دوم اینکه هرچه کنش گفت‌وگوها و کارکردهای متنوع آن‌ها بیشتر شود، این عنصر داستانی از قوت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل شاید بتوان گفت که دو اثر آخر، از نظر غنای عنصر گفت‌وگو در جایگاه بالاتری قرار دارند.

تا اینجا به همین موارد مثالی از کتاب‌های شاه‌آبادی بسنده می‌کنیم. همان‌طور که دیده شد، جملات با وجه پرسشی، می‌توانند کارکردهای متفاوت و اغراض دیگری در ژرف‌ساخت خود داشته باشند. اکنون به جمع‌بندی این پژوهش می‌پردازیم.

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که تا اینجا بیان شد، ارتباط و زبان به عنوان بستر ارتباطی، یکی از مهم‌ترین کنش‌های اجتماعی انسان به عنوان موجودی اجتماعی است. سخن و کلام، یکی از انواع زبان‌هاست که مهم‌ترین وجه آن، گفت‌وگوست. گفت‌وگو یا همان دیالوگ از مقوله‌هایی است که از دیرباز میان فلاسفه و نظریه‌پردازان محل بحث بوده است و درباره آن نظریات متفاوتی بیان شده است. نظریه

کنش گفتاری و علم معانی که از زیرمجموعه‌های بلاغت است یکی از مباحث نام‌آشنای بلاغت فارسی و عربی است که در آثار هنری کلامی ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آثار ادبی، جولانگاه و نمایشگاه بلاغت است. به دلیل ظرفیت بالای گفت‌وگو به عنوان یکی از عناصر مهم داستان، بررسی این عنصر مفید و سودمند خواهد بود.

در این پژوهش بر آن بودیم تا آثار یکی از نویسندگان ایرانی را از جنبه علم معانی بررسی کنیم. بررسی این فن بلاغی با هدف استخراج و ارائه الگوهای گفتاری از اهمیت خاص خود برخوردار است.

حمیدرضا شاه‌آبادی، نویسنده برجسته کودک و نوجوانیست که بیشتر آثار داستانی او را رمان نوجوان تشکیل داده است. او در سال ۱۳۹۹ نامزد جایزه آسترید لیندگرن، دومین جایزه معتبر داستانی جهان شد که نشان می‌دهد آثار او، ظرفیت بالایی برای تحلیل و نشان دادن ارزش‌های بلاغی دارد.

علم معانی به بیان اغراض ثانویه جملات می‌پردازد. همان‌طور که می‌دانید، جملات وجوه مختلفی از جمله عاطفی، امری، پرسشی یا خبری دارند. در این پژوهش، جملات پرسشی پنج اتر/اعترافات غلامان، دایره زنگی، دیلماج، لالایی برای دختر مرده و هیچ کس جرئتش را ندارد (دو اثر با مخاطب بزرگسال و سه اثر با مخاطب نوجوان) از حمیدرضا شاه‌آبادی را بررسی کردیم تا اغراض ثانویه موجود و انواع آن‌ها را استنتاج کنیم. با توجه به آنچه طی بحث گذشت درمی‌یابیم که در رمان بزرگسال شاه‌آبادی یعنی دیلماج، تنوع اغراض ثانویه پرسش‌ها تقریباً معادل ۴ غرض است (استفهام انکاری، تحقیر، امر، تاکید). در مجموعه داستان کوتاه دایره زنگی جمعاً حدود ۸ یا ۹ غرض ثانویه وجود دارد (تمسخر، اظهار تعجب، استفهام انکاری، نهی (امر منفی)، اثبات عقیده خود و بطلان عقیده مخاطب، تحقیر، سرزنش به همراه طعنه، اعتراض به همراه مخالفت و توهین، امر به طریق غیرمستقیم، تعریض، اظهار تعجب). در کتاب اعتراف غلامان که کتابی با مخاطب نوجوان است غالباً با پرسش‌هایی روبه‌رو هستیم که غرض اصلی، همان گرفتن خبر و طلب پاسخ است اما دارای پرسش‌هایی با حدود ۹ نوع اغراض ثانویه است (پرسش برای کسب اطمینان (از بین بردن شک و تردید) و یا تاکید و تعجب به همراه بیان منافات، تعجب، استفهام انکاری، استفهام تاکیدی، امر به طریق غیرمستقیم و مودبانه، تکرار مسندالیه، تمسخر به همراه تحقیر، بی‌تابی به همراه تمنی). در هیچ کس جرئتش را ندارد با حدود ۱۷ نوع از انواع اغراض ثانویه در پرسش‌ها مواجهیم (استفهام انکاری، توبیخ و ملامت، تعجب به همراه تعریض و سرزنش، کنایه و سرزنش، تصغیر، توهین به همراه تحقیر، تاکید یا کسب اطمینان، امر (مثبت یا منفی)، کسب توضیح بیشتر، تمنی، شک و تردید، تکرار، بیان احساسات، هشدار و تنبیه، سرزنش به همراه تحقیر و امر، اثبات عقیده خود و بطلان عقیده طرف مقابل). و در کتاب لالایی برای دختر مرده با ۱۸ نوع از انواع اغراض ثانویه در جملات پرسشی مواجهیم (تعجب به همراه نهی، بیان شک و تردید یا از بین بردن شک و تردید، سرزنش به همراه امر، تحقیر به همراه توهین، استفهام انکاری، امر، تعجب، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی، استفهام تاکیدی، طعنه، اعتراض به همراه شکایت، سرزنش به همراه تحقیر، درماندگی، تاکید یا کسب اطمینان، تکرار، بیان احساسات، اظهار بی‌اطلاعی، بی‌تابی به همراه ندامت).

آنچه در این بین مهم است، اکتفا نکردن نویسندگان و پژوهشگران به انواع اغراض بیان شده در کتب بلاغی و تک‌بعدی بودن پرسش‌هاست؛ بدین معنی که ممکن است اغراضی وجود داشته باشند که در کتب بلاغی بیان نشده باشند و پژوهشگری قادر باشد آن غرض را از دل پرسشی بیرون بکشد. ذهن و زبان، دو مقوله پویا و زایا هستند و هر زمان که بستر مناسب فراهم شود، ادیبی می‌تواند کاربردهای مختلف آن را به تصویر کشد. نکته دومی که در این پژوهش به دست آمد اینست که هر پرسش لزوماً فقط یک غرض می‌تواند نداشته باشد بلکه ممکن است دو یا چند غرض را همزمان داشته باشد. اغراض هر پرسش را با توجه به بافت و فضای داستان و متن می‌توان فهمید. باید یادآور شد که گاهی بین غرض ثانویه برخی جملات، مرزبندی و خط‌کشی دقیقی نیست و اغراض می‌توانند هم‌پوشانی داشته باشند و همان‌طور که پیش از این بیان شد، یک پرسش، می‌تواند با چند غرض بیان شود که در عین حال، به اغراض دیگر هم نزدیک شده است. همچنین می‌توان به این موضوع اشاره کرد که اگرچه نویسندگان، در هر ژانری می‌توانند دست

به خلق جملات با اغراض ثانویه بزنند اما شاید بین ژانر انتخابی و تنوع و تعداد اغراض به کار رفته، ارتباطی وجود داشته باشد؛ چراکه برای مثال، در ژانرهایی مثل رازآلود، کارآگاهی، مهیلم، رئالیسم جادویی و یا سوررئال که جنبه‌های پنهان داستانی وجود دارد و نویسندگان به دنبال ایجاد تعلیق و کشش هستند می‌توان انتظار پرسش‌های بیشتر و با اغراض متنوع‌تر داشت. در نهایت باید اشاره کرد که طبق آنچه در این پژوهش مشاهده شد بین پنج اثر بررسی شده، دو اثر آخر از اغراض متنوع‌تری برخوردار بودند که نشان‌دهنده غنای بیشتر گفت‌وگوها و قوت بیشتر این عنصر داستانی است.

تا این قسمت از پژوهش، روشن شد که چه نکاتی باید هنگام تحلیل به اغراض ثانوی مورد توجه باشند. همچنین اغراض موجود در پنج اثر این نامزد جایزه آسترید لیندگرن بررسی و بیان شد و تنوع اغراض جملات پرسشی آن داده شد. از این طریق، باری دیگر اهمیت علم معانی و اهمیت گفت‌وگونویسی و اغراض ثانویه جملات از جمله پرسش‌ها روشن شد. امید است که راهی برای تحلیل و کاربرد علم معانی و از جمله آن، اغراض ثانویه برای خوانندگان و مخاطبان گرامی این پژوهش باز شده باشد.

## منابع

- امینی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «بازنگری علم معانی و نقد برداشت‌های رایج آن». نشریه پژوهش‌های زبان و ادب فارسی. شماره ۳. پاییز. صص ۵۹-۷۶.
- خانیکی، هادی. (۱۳۸۳). «گفت‌وگو؛ از مفهوم زبانی تا معنای جهانی». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره پنجم. شماره ۱. صص ۹۰-۱۱۳.
- دسترنج، فاطمه؛ عرب، منصوره. (۱۳۹۹). «کاربست نظریه کنش‌گفتاری در خوانش آیات جهاد». نشریه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جنگ. دوره چهارم. شماره ۲ (پیاپی ۱۲). تابستان. صص ۲۳-۵۲.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). اعترافات غلامان. چاپ اول. مشهد: به‌نشر.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). دایره‌زنگی. چاپ دوم. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۸). دیلماج. چاپ ششم. تهران: افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۵). لالایی برای دختر مرده. چاپ دوم. تهران: افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۳). هیچ‌کس جرئتش را ندارد. چاپ اول. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). بیان و معانی. چاپ چهارم (از ویراست دوم). تهران: میترا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴). معانی. چاپ چهارم (از ویراست دوم). تهران: میترا.
- طاهری، حمید. (۱۳۸۶-۸۷). «سوال و اغراض ثانوی در غزلیات حافظ». فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). سال هفدهم و هجدهم. زمستان و بهار. شماره ۶۸ و ۶۹. صص ۸۷-۱۱۸.
- طاهری، حمید؛ حسینیها، عاطفه. (۱۳۹۹). «اغراض ثانوی جملات خبری در تاریخ بیهقی». نشریه نشر پژوهی ادب فارسی. سال ۲۳. شماره ۴۷. بهار و تابستان. صص ۱۱۹-۱۴۱.
- کمپتون، گلوریا. (۱۳۹۲). گفت‌وگونویسی، ترجمه: فهیمه محمد سمسار. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
- گریو، اریک. (۱۳۸۱). «فلسفه زبان چیست؟». ترجمه: ژینوس شیروان، نامه فلسفه، شماره ۱۳، صص ۱۵۱-۱۵۶.
- مددی، مجید (۱۳۸۱-۱۳۸۲)، «فرهنگ گفت‌وگو»، نشریه کلک، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۳۷)، شماره ۱۷، اسفند و فروردین، صص ۲-۶.
- نوبل، ویلیام. (۱۳۹۲). راهنمای نگارش گفت‌وگو. ترجمه: عباس اکبری. چاپ پنجم. تهران: سروش.